منوچهر جمالی

قانون اساسی ، برای بنیاد گذاردن « وحدت سیاسی ملت » است
قانون اساسی، برای« واقعیت بخشیدن وحدت سیاسی و آزادی باهم » است

قانون اساسی، » دستگاهی از موازین است ،که هدفش، رسیدن به یك وحدت آرمانی است « ، نه حفظ » وحدت واقعی موجود . چون آنچه موجود هست ، و واقعیت دارد ، وحدتی نیست که » همه « خواهانش هستند ، و بدین ترتیب ، تبعیض شدید دینی و مذهبی و طبقاتی و جنسی موجود است ، که خواه ناخواه » امنیت و ثبات و موجودیت ملت « رامتزلزل میسازد. دوره وحدت ملت ، برشالوده تنفیذ و تحمیل یك کلمه و فکر و عقیده و دین و مذهب وایدئولوژی ، با زور و شکنجه و تبلیغات انحصاری ، سپری شده است .

آزادی ، در طبیعتش، راه رابرای کثرت از همه نوعش میگشاید، و امروزه نیاز به وحدتی هست،که بتواند کثرتی را که از آزادی سرچشمه میگیرد، همآهنگ سازد .

بدین ترتیب ، قوانین باید به گونه ای گذاشته شوند که این وحدت آرمانی همه اقوام و طبقات و ادیان و زن ومرد (وحدت جنسی) و مذاهب (اختلاف مذاهب در خود دین اسلام که بسیار شدید است) را در چهار چوبه » وحدت سیاسی ملت « واقعیت بدهند ، بطوریکه اختلافات دینی و مذهبی و ایدئولوژیکی و فلسفی و جنسی و سیاسی نیز، تضمین گردد .

ملت ، یك وحدت سیاسی است ، نه یك وحدت دینی یا مذهبی وایدئولوژیکی . این وحدت سیاسی، با تضمین کامل آزادی در

اختلاف عقاید و ادیان و مذاهب ، بر پایه برترین اصل فرهنگ ایران، ممکن میگردد که ، جان یا زندگی هر انسانی را بدون تبعیض و استثناء ، مقدس ، یعنی گزند ناپذیر میداند. بدینسان» حقوق بشر« نهاده میشود.حکومت و قانون اساسی و سیاست، غایت خود را نگهبانی و پرورش و شکوفائی جانهای همه انسانها بدون تبعیض میداند. جان و زندگی، بر هرگونه دین و عقیده و فلسفه و ایدئولوژی ، اولویت دارد .کثرت همه ادیان و مذاهب و ایدئولوژیها و ..تابع اولویت ارزش» زندگی یا جان همه انسانها در ملت« هستند. محتوای همه قوانین وهمه قدرتهای حکومتی وکل نظام، این هدف والا و متعالیست.

حکومت، به عقیده و دین و ایمان و شیوه اندیشه افراد و گروهها نمی نگرد، بلکه خود را مسئول نگاهبانی و بقا و پرورش زندگی شهروندان خود میداند ، و این غایت حکومت است که در قانون اساسی ، پیاده میشود .اینست که قانون اساسی دراثر این غایت، بیان روند و جنبش جامعه کثرتمند، بسوی وحدت سیاسی است.پس قانون اساسی ، پیدایش اصول و مبادی موثر و نافذ ، برای ایجاد وحدت سیاسی است. این آرمان، همیشه يك نیروی پویای ملی میماند، چون آزادی با خود، همیشه اختلاف وگوناگونیهای غیر منتظره میآورد و میپرورد، و در مقابل این کثرتمندی (= پلورالیسم زاده از آزادی)، تلاش دائمی، در واقعیت بخشیدن » وحدتی است، که به کثرتمندی،تعادل ببخشد.کثرت آزادی، در »وحدت سیاسی، بر پایه قداست جان ،که برترین ارزش فرهنگ ایرانست « استوارو» موجودیت ملت ایران« تضمین میگردد. وحدت سیاسی ملت ایران،ریشه دربرترین ارزش فرهنگ ایران پیدا میکند .